

چهارشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۳ | ۶ شعبان ۱۴۴۶

کفت‌و‌گو

زهرآچندری

بررسی چالش‌های خانواده در جامعه امروز در گفت‌وگوی «جوان» با پژوهشگر حوزه زنان و خانواده

جز تفکر نقاد و مهارت‌های زندگی نسخه شفاف‌بخشی وجود ندارد

خانواده یکی از بنیادی‌ترین زیربناهای هر جامعه‌ای است و در جامعه اسلامی ایران اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، اما خانواده امروز حتی در کشوری مانند ایران با وجود پشتوانه غنی و ریشه‌های عمیق در دنیای در مسیر تندباد الفقاهای رسانه‌ای و در جهانی که با ارتباطات و فضای مجازی به شکل دهکده‌ای کوچک در آمده‌است، دچار تغییرات و چالش‌هایی شده‌است. چالش‌هایی که برای مواجهه با آن باید به دانش مهارت‌های زندگی و قدرت تفکر خلاق مجهز بود و در مواجهه با سؤنایم اطلاعات که به صورت ملغمه‌ای از درست و نادر ست است، قدرت غربالگری داشته و بتوانیم سر را از ناسره تشخیص دهیم و در مسیر موفقیت و اعتلا قرار بگیریم، اما مهارت تفکر خلاق و نقاد و همچنین مهارت مواجهه با چالش‌های مختلف در زندگی، موضوعی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته و با وجود افزایش ظاهری مطالب آموزشی در فضای مجازی و حقیقی و باب‌شدن و کمک گرفتن از مشاوران در حوزه‌های مختلف به خصوصی حوزه خانواده، شاهد آن هستیم که خیلی وقت‌ها توصیه‌های مشاوران هم نمی‌تواند کارساز باشد و حتی در مسیر معکوس عمل می‌کند. شاید به این خاطر که کسی قرار است در نهایت تصمیم بگیرد، عمل کند و پاسخگو باشد، خود ما هستیم و معنای مشاوره گرفتن از دیگران هم بهره‌گیری از نظرات آنها و تطبیق آن با تصمیم و نظرات و شرایط خود ماست. در این صورت است که می‌توان از مشاوره‌ها هم نتیجه مناسبی گرفت. به سرراغ خانم مریم محمودزاده طلبه نمونه، مدرس حوزه و دانشگاه و پژوهشگر حوزه خانواده‌درقه‌تایم و باوی به‌گفت‌و‌گو‌نخستنه‌ایم.

■ ■ ■

خانم محمودزاده! با توجه به حوزه فعالیتت که در حوزه زنان و خانواده دارید، از نگاه شما مهم‌ترین چالش‌هایی که خانواده‌امروز با آن مواجه است، چیست؟

با توجه به تجربیات علمی و آموزشی و مشاهده میدانی از مشاوره‌ها بیشترین چالشی که با آن مواجه شده‌ام، عدم آگاهی و ضعف آگاهی مهارت‌های زندگی و مهارت‌های تربیتی، مهارت‌های مربوط به خانواده و توسعه فردی در بحث‌های روانشناسی و اخلاق است. بر خلاف آنچه عنوان می‌شود، اطلاعات مردم در جامعه امروز نسبت به حوزه مهارت‌های زندگی و اخلاق خوب است، اما من معتقدم آگاهی‌های جامعه در حوزه مهارت‌های زندگی بسیار پایین است؛ا واقع ما با ضعف آگاهی و ضعف علمی که مورد نیاز است، مواجهیم.

اما به نظر می‌رسد در جامعه کنونی اقبال مردم به مشاوره، کلاس‌ها و کلیپ‌ها و کتاب‌های روانشناسی بیشتر از قبل باشد. شما قبول ندارید؟

کمک است کتاب زیاد بخوانیم یا کلیپ ببینیم، اما اینکه ما یک مسئله‌ای را یاد بگیریم و بتوانیم آن را به رفتار تبدیل کنیم، امری زمان‌بر و نیازمند تکرار این جلسات و موضوعات آموزشی و کاربردی است. علاوه بر این باید آنقدر تکرار و تمرین مستمر باشد تا درصدم از این آموزش‌ها تبدیل به رفتار شود،اما ما چنین چیزی را نداریم. شاید گفته شود قبل کلاس‌ها و مشاوره‌ها کمتر بوده،اما این دلیل نمی‌شود! حجم زیادی از آموزش‌ها لزوماً این فرایند تمرین و استمرار را طی نمی‌کند تا به رفتار تبدیل شود.

گزارش

مسئله‌گردی

پس در واقع با آموزش‌های سطحی مواجهیم!

بله با سطحی است یا تکرار نمی‌شود. اینکه ما چند کلاس برویم یاد یک رشته تحصیلی دکتر بگیریم، عموماً به این نیاز است آموزش‌های دیگری داده شود و تجربیات دیگری به دست بیاید، چه از نظر اخلاق، چه از نظر رفتاری چه از نظر مهارتی. ما در این زمینه بسیار ضعیف هستیم چه در خانواده و چه در جامعه.

یعنی خانواده‌های ما نمی‌توانند نقش تربیتی خود را به خوبی ایفا کنند؟
خانواده بستر تربیت بچه‌هاست. وقتی این ضعف تربیتی و آگاهی وجود دارد و وقتی مادر خودش خیلی نتواند نیست و مهارت‌های رفتار را که من چه رفتاری باید در قبال عکس‌العمل خاصی از همسرم داشته‌باشم، بلد نیست،این موضوع از خانواده به فرزندان انتقال پیدا می‌کند. ما مشاهده می‌کنیم به طور نمونه دانشجویی که مقطع ارشد یا مقطع دکتر ادرس می‌خواند، اما متأسفانه مهارت‌های زندگی مانند مهارت‌های ارتباط مؤثر یا مهارت‌های شناخت در خصوص کسی که قرار است برای ازدواج انتخاب کند، ندارد. همه اینها ضعف است.

یعنی با وجود بالا رفتن تحصیلات، دانشی را که برای زندگی روزمره نیاز است، کس نمی‌تواند؟

بله، همینطور است. تحصیلات لازم است، اما کافی نیست. ما داریم این را می‌بینیم. من دانشجویایی داشتم که با قصد ازدواج ارتباطی را برقرار کردند، اما آنقدر این توانمندی ضعیف است که با وجود مشاهده رفتارهای ناشایست طرف مقابل، این بدین مناسبت که

دختر ما آنقدر توانمندی ندارد که تشخیص بدهد این فرد برای او مناسب نیست. مشخص است که این دانشجویی ما شاید کلاس زیاد آمده، کتاب خوانده اما توانمندی آن را ندارد که شایستگی طرف مقابلش را تشخیص دهد و در صورت ناشایست بودن فرد مقابل قطع رابطه کند. این نیازمند یک ریسک‌پذیری، توانمندی و اقتدار است تا با کسی که می‌بیند فرد مناسبی برای زندگی‌ش نیست، ادامه ندهد. هر چقدر این مسئله جلو برود، ما این فردی که مهارت تصمیم‌گیری و مهارت شناخت درست هم ندارد، متأسفانه با چالش‌های دیگری درگیر می‌شود و همین مسئله ادامه پیدا می‌کند و نهایتاً موجب می‌شود آمار طلاق بالا رود. هر قدر هم که شما وابستگی پیدا کردید، وقتی می‌بینید این رابطه به ضرر شماست نباید آن را ادامه دهید، اما ما می‌بینیم جوانان ما این اقتدار و توانمندی را ندارند که بخواهند یک رابطه اشتباه را پایان دهند.

جایگاه آموزش این مهارت‌ها را کجا می‌بینید؟ خانواده، مدرسه، دانشگاه یا رسانه‌ها کجا قرار است این آموزش‌ها داده شود؟

مسائل تربیتی تک‌علمی نیست. اینکه ما بخواهیم بگوییم صرفاً خانواده، صرفاً آموزش و پرورش یا محیط اجتماع درست نیست. همه اینها دست به دست هم می‌دهد و موجب می‌شود تربیت مهارت‌های زندگی به وضعیت مناسبی یا نامناسبی دچار شود؛ مثلاً یک کودک در خانواده زندگی می‌کند و پیام‌هایی را از پدر، مادر، اعضای خانواده و قایل و رسانه‌ها دریافت می‌کند. این پیام‌ها ذهن ما را شکل می‌دهد تا بدانیم در مواجهه با مسائل و موضوعات چگونه رفتار بکنیم. خب مهم‌ترین ارتباط را ادامه می‌دهند. است. به خصوص



غفلت از ریشه‌ها در نظام آموزشی ما!

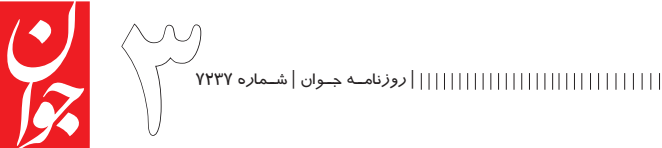
رئیس فرهنگستان علوم: بسیاری از اصولی که در نظام آموزشی فنلاند مورد توجه قرار می‌گیرد، ریشه در مبانی دینی و اخلاقی ما دارد

این در حالی است که ما خود با نقطه مطلوب فاصله بسیار داریم



■ علت موفقیت بالای مدارس فنلاند

نظام آموزشی فنلاند به دلیل تمرکز بر کیفیت، برابری و رفاه دانش آموزان، به‌عنوان یکی از برترین سیستم‌های آموزشی در جهان شناخته می‌شود. این نظام آموزشی دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که آن را از دیگر سیستم‌ها متمایز می‌کند.
از ویژگی‌های مهم نظام آموزشی فنلاند، تأکید به رفاه دانش آموزان است، چراکه به سلامت روانی و جسمی دانش آموزان اهمیت می‌دهد و محیط‌های یادگیری راحت و دوستانه‌ای را مهیا می‌سازد. همچنین برای کیفیت بالای معلمان اهمیت زیادی قائل می‌شود، مثلاً معلمان از سطح تحصیلات بالایی برخوردارند و آموزش حرفه‌ای گسترده‌ای دریافت می‌کنند. در اصل می‌کنیم یعنی هنوز در پله حسرت هستیم.



روزنامه جوان | شماره ۷۲۳۷

جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۰۸۵۲۳



یک امام مجاهد!

سالروز میلاد مبارک حضرت سیدالسادجین علیه‌السلام فرصت مناسبی است برای مرور و بازخوانی کوتاه اقدامات و مبارزات ایشان در مدت ۳۵ساله امامت خود بر شیعیان. پس از واقعه مهیب و جانکاه کربلا و شهادت فاجعه‌بار حضرت سیدالشهدا و اسارت خاندان مطهر وی و با آغاز عصر اختناق و خفقان شدید حکومتی علیه شیعیان،



مهدی مولاوی

حضرت سجاد علیه‌السلام عهده‌دار امر امامت بر شیعیان شدند. روایت مشهوری از حضرت امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمودند: «بعد از شهادت حسین، همه مردم جز سه نفر مرتد شدند!» همچنین در نقل دیگری امام سجاد علیه‌السلام فرمودند که «امروز که تمام مکه و مدینه ۲۰ مرد پیدا نمی‌شود که ما را دوست داشته باشد». در چنین شرایط سخت و دشواری، حضرت سجاد علیه‌السلام در یک طرح عظیم امامت، مسئولیت هدایت امت و نجات اسلام از پر تگاه نابودی توسط بنی‌امیه را آغاز فرمودند. در چنین شرایطی که در عصر خلافت یزد، یکی از مؤثرترین سلاح‌های مبارزاتی حضرت، خطبه‌های تکان دهنده و پرصلابت حضرت در میان مردم نبود، به نحوی که در کتب تاریخی نقل شده که پس از قرائت خطبه حضرت در کوفه، تمام مردم گریه‌های بلند سر داده و مرثیه خوانده و طلب بخشش از ایشان کردند. کلمه‌های طولانی و خطبه‌های آتشین حضرت، در شرایطی که مذهب شیعه در آستانهٔ پراکندگی و نابودی قرار گرفته بود، ضرباتی سخت بر پیکره بنی‌امیه وارد کرده و بخشی از افکار عمومی جامعه را متوجه مصائب کربلا و جنایات طواغیت کرد.

چندی بعد پس از فراز و نشیب‌هایی در دستگاه اموی، نوبت به خلافت عبدالملک بن مروان رسید. عبدالملک پیش از رسیدن به خلافت، به دلیل شرکت و حضور مستمر و دائمی در جلسات علما و محافل قرآنی، به «گور مسجد» مشهور بود. او از خطبا و وعاظ قرآنی زمانه خود بود. نقل است که روزی در مسجد مشغول قرائت قرآن بود که خبر مرگ پدرش و آغاز خلافت او را به وی رساندند؛و قرآن را بست و گفت «پنک بین من و تو جدایی افتاد دیگر با تو کاری ندارم».

بخش مهمی از مدت زمان امام حضرت سجاد، صرف مبارزه با سیاست‌های ضدشیعی و اعمال قسی القلب و جنایتکار عبدالملک، نظیر حجاج بن یوسف ثقفی گشت. حجاج از خون‌ریزترین شخصیت‌های تاریخی ضد شیعه است که شرح اقدامات او خود کتابی جداگانه می‌طلبد. با وجود این، اقدامات ددمنشانه، در انقلاب و قیام مردم مدینه علیه عبدالملک مروان و اخراج تمام بنی‌امیه از مدینه، حضرت با عاطفتی تمام، به زنان و دختران خاندان عبدالملک پناه داده و ایشان را در دمه خویش معرفی کرده و اجازه کوچک‌ترین جسارتی به آنها را ندادند. همین اقدام شگفتانه، خود توانست تا مدتی از فشار و آزار سیاست‌های عبدالملک بر شیعیان کاسته و به بهبود وضعیت پیروان اهل بیت کمک کند.

پس از هلاکت عبدالملک و آغاز خلافت فرزندان ولید بن عبدالملک، گماشته او در مدینه، هشام بن اسماعیل نیز همچون حجاج ثقفی سخت‌ترین سیاست‌ها را نسبت به امام و شیعیانش روا داشت. از منع خطبه‌خوانی تا منع آمد و شد با بیت امام و قتل و خون‌ریزی شیعیان و شکنجه یاران حضرت. پس از مدتی که هشام مغضوب خلیفه شد، خلیفه اعلام کرد که هر کس شکایتی از هشام دارد، مطرح کند. هشام بیش از همه، نگران شکایت حضرت سجاد به دلیل ستم‌های گسترده او علیه شیعیان بود.

نقل است که حضرت امام سجاد(ع) در آن شرایط که هشام را برای مواخذه بر در خانه مروان نگه داشته بودند، از آنجا عبور کرد و قبلاً به همراهان خود سفارش کرده بود، معترض هشام نشوند، اما بی اینکه شکایتی از هشام ابراز کند، او گذشت. در این لحظه هشام از بزرگواری و گذشت امام سجاد به شگفت آمد و گفت: «الله اعلم یحیی و یحعل رسالت!»، یعنی خدا بهتر دانسته است که رسالت خویش را در کدام خاندان قرار دهد.

با وجود این همه ملاحظه خوش‌رفتاری و مناعت طبع و حسن اخلاق امام در مواجهه با دشمنان خود، که به مثابه یکی از ابزارهای فرهنگی باعث جذب و تألیف قلوب بسیاری نسبت به شیعیان شده بود، اما خلفا و طواغیت مدینه برای حفظ جایگاه غاصبانه خویش سرانجام در سال ۹۵ حضرت امام سجاد علیه‌السلام را مسموم کرده و به شهادت رساندند تا در گذشت امام سجاد به شگفت آمد و گفت: «الله اعلم یحیی و یحعل رسالت!»، یعنی خدا بهتر دانسته است که رسالت خویش را در کدام خاندان قرار دهد.

با وجود این همه ملاحظه خوش‌رفتاری و مناعت طبع و حسن اخلاق امام در مواجهه با دشمنان خود، که به مثابه یکی از ابزارهای فرهنگی باعث جذب و تألیف قلوب بسیاری نسبت به شیعیان شده بود، اما خلفا و طواغیت مدینه برای حفظ جایگاه غاصبانه خویش سرانجام در سال ۹۵ حضرت امام سجاد علیه‌السلام را مسموم کرده و به شهادت رساندند تا در گذشت امام سجاد به شگفت آمد و گفت: «الله اعلم یحیی و یحعل رسالت!»، یعنی خدا بهتر دانسته است که رسالت خویش را در کدام خاندان قرار دهد.

خبر کوتاه

■ **دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه توجه به کودکان توجه به آینده کشور است، گفت: ۴۸/۷ درصد از کودکان کار و خیابان بازمانده از تحصیل هستند و حدود ۲۱ در صد از این کودکان سوءتغذیه دارند.**
■ **رئیس سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان با اشاره به اینکه هزینه تحصیل ۱۲ هزار و ۴۰۰ دانش‌آموز در مرحله اول و هزار و ۴۰۰ نفر در مرحله دوم متعلق به چهار دهک پایین اقتصادی در مدارس سمپاد از سوی دولت پرداخت شد، گفت: مبلغ این پرداختی در شهرهای مختلف متفاوت است.**

■ **قوه قضائیه اعلام کرد: دادستانی تهران در پی انجام رفتارهای غیراخلاقی و خلاف شئونات از سوی برخی از تماشاگران زن دیدار فوتبال باشگاه‌های پرسپولیس تهران و تراکتور تبریز، برای دو نفر از تماشاگران پرونده قضایی تشکیل داد و آنها را بازداشت کرد.**
■ **رئیس انجمن دکترای علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی ایران گفت: حدود ۸ درصد بوجه سلامت کشور در بخش آزمایشگاهی صرف می‌شود در حالی که ۷۰ درصد تشخیص، پیگیری و پیگیری درمان بیماری‌ها توسط آزمایشگاه‌ها صورت می‌گیرد.**

■ **قوه قضائیه از تشکیل پرونده قضایی در پی اقدام خلاف عرف و شرع دو بازیگر در افتتاحیه جشنواره فیلم فجر خبر داد.**
■ **مدیرعامل سازمان بیمه سلامت ایران، با بیان اینکه برخی منابع سلامت در کشور بسیار بالا است، گفت: بیمه سلامت نمی‌تواند افزایش هزینه‌ها را پوشش دهد.**
■ **دادستان عمومی و انقلاب تهران گفت: کیفرخواست متهمان یک پرونده زمین‌خواری که با تشکیل شبکه جعل و استفاده از اسناد مجعول، اقدام به کلاهبرداری و تصرف ۲ هزار متر مربع از اراضی دولتی در منطقه فرح‌آباد کرده بودند، صادر شد.**

■ **رئیس سازمان غذا و دارو گفت: برای تداوم اجرای طرح دارویار در سال آینده به ۱۷۶ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز است تا پرداختی از جیب مردم افزایش نیابد.**

■ **جمعیت دامپزشکان که مسئول روند درمان پلنگ دماوند هستند در جلسه‌ای به بررسی آخرین وضعیت بیماری و روند درمان این گونه ارزشمند پرداختند و مشخص شد که حال پلنگ خوب نیست، اما نشان‌ها برای بهبود این گربه‌سان دارد اما تا دوباره به روزهای خوب برگردد.**
■ **رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه گفت: ۲۸ کارچاق‌کن و مدعی نفوذ در دستگاه‌ها در راستای حفظ سلامت و صیانت از مجموعه قضایی در استان آذربایجان شرفی بازداشت شدند.**
■ **معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: حقوق دستیاران تخصصی و فوق تخصصی در دولت چهاردهم ۲۰ درصد و کارورزان رشد درصدی داشته‌است.**

کافی در خصوص جست‌وجو در موتورهای جست‌وجوگر را نداشته باشد، نمی‌تواند اطلاعات مناسبی به دست بیاورد. در حالی که در عموم جامعه چنین نگاهی تسری دارد. در همان جست‌وجوی اینترنتی هم با نوشتن یک کلمه دهها و صدها پیچ در برابر شما باز می‌شود، اما اینکه کدامش را انتخاب کنید، اما باید علم داشته‌باشید تا بتوانید موضوع درست را انتخاب کنید. دوم اینکه حتماً مستند و موثق باشد. منابع معتبر داشته باشد. در غیر این صورت ممکن است هر کسی یک چیزی را بگوید. شما چه تضمینی درباره این گفته دارید. قاعدتاً باید علم و آگاهی داشته‌باشید یا به کسی رجوع کنید که به او اعتماد داشته باشید یا برایتان مورد وثوق باشد، اما در جامعه امروز ما می‌بینیم چنین موضوعاتی کمرنگ‌شده و در نتیجه با سرگردانی و حیرانی مواجهیم و با مشاورانی مواجهیم که در فضای مجازی توصیه می‌کنند، دوره می‌گذارند و برایش پول می‌گیرند. هنوز این برای جامعه ما جانیفته‌ده که مشاور نظر خودش را می‌گوید و لزومی ندارد که شما نظر او را اجرا کنید. این بستگی به نظر خودتان دارد که به او اعتماد می‌کنید و آن کار را انجام می‌دهید یا خیر. در نهایت باید این را در نظر داشته‌باشید که مسئولیت کار شما با خود شماست، نه مشاور. این شما هستید که تصمیم می‌گیرید در زندگی‌تان جلو می‌روید و مشاور قرار نیست به جای شما زندگی کند؛ نسخه‌هایی که مشاوران می‌پیچند، ممکن است برای همه جواب ندهد.

سبایی از افرادی که طبق نظر مشاوران رفتار می‌کنند ممکن است لزوماً به نتیجه‌های خوبی نرسند. خود ما هم باید یک آینده‌نگری داشته باشیم و صرف توصیه‌های حتی یک مشاور نمی‌توان تصمیمات درستی گرفت، بنابراین لازم است فکر کنیم.

تصمیم‌گیری هم یک ابزار است که می‌شود از آن استفاده خوب یا بد کرد. بستگی دارد به اینکه من مخاطب و کاربر در چه زمینه‌ایی از آن استفاده کنم. ممکن است خیلی هم خوب باشد. همچنان که بسیاری از افراد با سنین پایین در فضای مجازی در آمدن‌ایی دارند و بسیاری از کارهای علمی‌شان را هم پیش می‌برند، اما باید فرهنگ آن را داشته‌باشیم و بدانیم چگونه باید از آن استفاده کنیم. این هم یکی از چالش‌های تربیتی ما در آموزش و پرورش یا دانشگاه است. اینکه چقدر اینها را آموزش می‌دهند؟ من خودم در کلاس‌های خانواده که در دانشگاه دارم، با این مواجه می‌شوم که دانشجویان صرفاً با سرچ در فضای مجازی اطلاعاتی را سر کلاس می‌آورند. در حالی که حتی شما وقتی کتاب از یک نویسنده می‌خوانید با وجود آنکه خودش متخصص آن رشته و خودش صاحب‌نظر است، اما با یاروقی‌هایی مواجه می‌شوید که نشان می‌دهد از منابع گوناگون تحقیق کرده‌است.

یعنی به تعبیر شما حتی ما وقتی که به مشاور مراجعه می‌کنیم باید با عقل و جهان‌بینی خودمان تطبیق دهیم و نباید تصور کنیم نسخه شفاف‌بخشی برای ما پخته شده‌است، بلکه باید با عنایت به تفکر خودمان نگاه کنیم و حتی شاید لازم باشد بخشی از آن را بنید بریم و بخشی را کنار بگذاریم.

بله ما نسخه شفاف‌بخشی نداریم. به مراجعان هم می‌گوییم شما بهترین دکتر هم که بروید شما را ویزیت می‌کنند و به شما نسخه می‌دهند، این شما هستید که تصمیم می‌گیرید نسخه را بپذیرید و طبق دستوراتی که روی داروها نوشته شده دارو را بر مصرف بکنید یا نکنید. هیچ‌کس جای هیچ‌کس دیگر نیست.